

برنده جایزه ادبی نوبل
سال ۲۰۰۰ میلادی

۱۷۹

«گائوچینگ زیان» برنده جایزه ادبی «نوبل» سال ۲۰۰۰ میلادی، در سال ۱۹۴۰ در یک شهرک روستائی از ایالات جنوب شرقی چین بدنیا آمد و از ابتدای نوجوانی وارد حزب کمونیست چین گردید و با نوشته‌های گوناگون در زمینه‌های ادبی و هنری مخصوصاً در داستان‌نویسی و نمایش‌نامه نویسی نه فقط در حزب بلکه در جامعه روشنفکری کشورش شهرت یافت. در دوران تاریک «انقلاب فرهنگی» در بسیاری از آثارش «تمایلات مخالف اصول» کشف گردید و پس از اینکه دست نوشته‌هایش سوزانده شد، از سال ۱۹۶۶ به مدت ده سال روانه یکی از ده‌ها اردوگاه بازسازی مخصوص «نخبگان منحرف» گردید. بعد از قتل عام مخوف واقعه «تیانان من» بعنوان اعتراض از حزب کمونیست چین کناره گرفت و در دنباله آن «عنصر نامطلوب» شناخته شد و از چاپ کلیه آثارش در سر تا سر چین جلوگیری بعمل آمد. سرانجام در سال ۱۹۸۷ وی توانست مخفیانه از چین خارج شده و خود را به فرانسه برساند و یکسال بعد تقاضای پناهندگی سیاسی او از طرف دولت فرانسه پذیرفته شد، او اینک شصت سال دارد و دوازده سال است که در حومه پاریس ساکن است.

چگونه می‌توان آثار این نویسنده را با معیارهای ادبی امروز ارزیابی نمود؟ برنده جایزه نوبل هرگز به جریان «نئورالیستی» تعلق نداشته است، او همیشه در سرزمین پهناور زادگاه خود بعنوان یک نویسنده پیشرو حتی بعد از ذوب شدن یخ‌های انقلاب فرهنگی مربوط به دهه هفتاد

شناخته شده است. کتاب او به نام «کندوکاو در فوت و فن داستان‌های مدرن» که در سال ۱۹۸۱ منتشر گردید موجب شد که او هدف نمایان در مبارزه با آلودگیهای معنوی آن دوران تاریک قرار گیرد، در حقیقت می‌توان گفت که این رساله ادعاینامه معتبرست علیه «نمودهای واقعی سوسیالیسم مائوئی» و نشریات اصلاحات گونه آن هنگام که در همه آنها تفکرات «مائوئی»^۱ دیده می‌شوند، بدین معنی که در این داستان سرائیها نقش‌های انسانی جا به جا گردیده‌اند: شخصیت‌های تبه کار گذشته به انسان‌های مهربان و قربانیان بیگناه آنها به افراد خشن و رقت انگیز تبدیل شده‌اند.

محتویات آثار گوناگون در گائوچینگ ژیان» آنچنان گسترده است که می‌توان او را با عناوین رمان‌نویس، درام‌نویس، نمایشنامه‌نویس و حتی نقاش چیره دست که غیرقابل طبقه‌بندی بوده و در هیچ قالب و چارچوبی نمی‌گنجد معرفی نمود و خود او نیز بارها گفته است که چه در زمینه ادبیات و هنر و چه در زمینه اندیشه‌های سیاسی به هیچ جریان مشخصی وابسته نیست، شگفت اینکه هموطنان نویسنده منتقد او، وی را گاهی نوگرا، گاهی مبتکر نخستین «تئاتر پوچگرایی چینی» و گاهی متعلق به مکتب «کاوشگران ریشه‌ها» خوانده‌اند و بالاخره وقتیکه او کتاب «فرار» را بعد از اتفاقات «تیانان من»^۲ در بهار ۱۹۸۹ پس از پناهنده شدنش به فرانسه نوشت در تبلیغات رسمی کشورش آنگ «نویسنده ارتجاعی» به پیشانی او کوفته شد.

حقیقت اینست که آثار «چینگ ژیان» کاملاً منحصر بفرد است، او نوشته‌های خود را به یک نوع ادبیات مخصوص چینی که «لنگ وانگ سو»^۳ نامیده می‌شود و ترجمه آن «ادبیات منجمد» است نزدیک می‌داند، توضیح اینکه این نوع ادبیات بهیچوجه تجاری نیست و علاوه بر اینکه با افکار خواننده کاری ندارد و هیچگونه نقشی از جهت اجتماعی و سیاسی ایفاء نمی‌کند. درباره این نوع ادبیات «رلان بارت»^۴ واژه مخصوص «ادبیات کلام به کلام»^۵ را بکار برده است.

برای وصول به هدف مذکور «چینگ ژیان» از مکتب «رمان‌های نو» الهام می‌گیرد و برای زدودن آلودگیها از پیکر گفتاری و نوشتاری روایت‌ها، وی به دنبال «سمبولیسم» خالی از هرگونه نشانه‌ها می‌رود، این تلاش موفق در بخشی از کتاب «چوب ماهیگیری پدر بزرگ من» یا در یکی از آخرین کارهایش «لحظات متوالی» که یکی از زیباترین آثارش می‌باشد کاملاً نمایان است. «چینگ ژیان» در بسیاری از نوشته‌هایش از فنون «تئاتر نو» نیز متأثر بوده است، او به این

1 - MANICHÈSME

2 - TIANANMEN

3 - LENG WENXUE

4 - ROLAND BARTHES



مکتب مسلط است، زیرا نمایشنامه‌های معروفی از «آدومو»^۱، «بکت» و «یونسکو»^۱ را به زبان چینی ترجمه کرده است. در اثر «ایستگاه اتوبوس» وی شیوه «تک گفتاری چند آوایی»^۲ را بکار می‌برد، بدین معنی که در ضمن ارائه «سمبول»های فراوان که متن را پیچیده کرده است کتاب از سادگی برخوردار است بطوریکه با وجود پیچیدگی و سادگی توأمان، خواننده روانی نوشته را کاملاً احساس می‌کند.

باید توجه داشت که نوشته‌های «چینگ ژیان» عاری از هرگونه نفوذ زبان نوشتاری غرب است و کاملاً نقطه مقابل طرفداران «نهضت ادبی چین» در دهه بیست میلادی که گرایش‌های غربی داشتند قرار دارد.

از آغاز دهه هشتاد میلادی او درباره «هنر زبان» و سبک «ادبیات کلامی» با بهره‌برداری همه جانبه از زبان‌های محلی بسیار گسترده چین از جمله زبان بومی «ماندارن»^۳ و خلق یک ساختار گرامری آنچنان که همه کمبودهای موجود در صرف افعال و سایر قواعد دستوری زبان

1 - ADOMOV, BECKETT, IONESCO

2 - MONOLOGUE POLYPHONIQUE

3 - MANDARIN

چینی را رفع نماید، مطالعات طاقت فرسائی بعمل آورده است.

در کتاب «کوهستان روح» که نگارش آن هفت سال طول کشید نویسنده با توسل به دامنه و نوسانات این ساختار گرامری در زبان چینی و زبان‌های محلی آن کشور قادر شده است با بازی کلمات حداکثر زیبایی را در «هنر زبان» به نمایش بگذارد و همچنین در کتاب «یک مرد تنها» گستردگی زیبایی‌ها در کلام‌های موزون همانند زیر و بم‌های آهنگ دلنواز موسیقی طنین انداز است.

برنده جایزه نوبل تنها نویسنده اندیشمند است که قاطعانه ابراز عقیده کرده است ادبیات فقط در محدوده «هنر زبان» قابل توجیه است و تأکید می‌کند که در قلمرو ادبیات جهانی از آنجا که «رمان» زمینه‌های تجربی بیشتری از سایر نموده‌های هنری دارد بنابراین جلوه تمام عیار «ادبیات کلام به کلام» می‌تواند باشد.

مترجمین فرانسوی کتاب‌های این نویسنده «نوئل و لیلیان دوتره»^۱ می‌باشند که برگردان رضایت‌بخش چند اثر مهم او را از زبان چینی انجام داده‌اند. چین‌شناس معروف «گوران مالْم کوئیست»^۲ عضو آکادمی سوئد مترجم برخی از آثار او به زبان سوئدی است. کوشش این مترجمان چیره دست سبک خاص نگارش نویسنده را به جامعه ادبی جهان معرفی نموده است تا این فرانسوی چینی الاصل بتواند بعنوان یکی از بزرگترین نوآوران ادبی قرن بیستم در آغاز هزاره سوم تاج افتخار جایزه ادبیات نوبل را بر سر نهد.

از روزنامه «لوموند» چاپ پاریس

le livre

LA MONTAGNE
DE L'ÂME

par Gao Xingjian
670 p., L'Aube, 69 F

